پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (دوم) پنجشنبه اول حمل ۱۳۴۷ هـ - ۲۱ ماچ ۱۹۶۸ ع

ببرک (کارمل)

دربارهٔ دستگاه اداری افغانستان

«مردم فریاد میکشند: هرگز نه!»

طبق گزارش دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت کمیسیونی برای ایجاد «یک دستگاه سلیم فعال اداری جهت بهبود کار دولت، رفاه مأمورین و فراهم آوردن تسهیلات در مراجعات عامه مردم» (انیس دوشنبه ۲۹ دلو ۱۳۴۶) تأسیس گردید که بتاغلی اعتمادی صدراعظم آنرا در ۲۸ دلو افتتاح کرد.

باستناد انعکاسات افکار عامه و بیانیه‌های وکلا در شورا و بخصوص بر اساس اعتراف غیرمستقیم بتاغلی صدراعظم که در بالا تذکر رفت، دستگاه اداری دولت افغانستان سلیم نیست یعنی معیوب و فاسد است. فعال نیست یعنی راکد است. بهبودی در کار نیست یعنی منحط است. مأمورین دولت مصئونیت و رفاعیت ندارند، یعنی به فساد و رشوه ستانی سوق داده میشوند. تسهیلات در مراجعات عامه مردم وجود ندارد، یعنی مردم‌آزار است.

حقایق تلخ و مهلک دستگاه اداری کشور مبین این واقعیت است که وطن ما به موازات یک تحول بنیادی بیک اصلاح عمیقی در دستگاه اداری شدیداً نیازمند است. «به‌منظور اینکه دستگاه اداری دولت طبق منافع یکی دو طبقه و قشرهای ممتاز کوچک جامعه بکار برده نشود مصالح عالیه طبقات عظیم خلق‌های دهات و شهرهای کشور ایجاب می‌نماید که این دستگاه روی واقعیت‌های اجتماعی و علمی اصلاح گردد.

برای تحقق بخشیدن باین منظور بحیث وظیفه فوری علیه جمله فساد اداری، خودسری‌ها، بی‌قانونی و بی‌دسپلینی، ارتشأ، شیوه‌های کاغذپرانی و معطلی عمدی کارهای مردم و استبداد مبارزه بعمل می‌اید.

برای تهیه زندگی شرافتمندانه و شایسته معلمان، مأموران، اجیران، مستخدمان دولت و مؤسسات، تدابیر مؤثر اتخاذ می‌گردد». (فقره پنج فصل سوم امور اجتماعی-مرامی دموکراتیک خلق.)

واقعیت اینست که: "... دموکراسی و قانون اساسی تاکنون در حرف است نه در عمل. ظلم و ستمگری با تام وحشت خود در جامعه حکمفرماست، مردم آزاد نیستند، هزاران انسان مظلوم وطن در دستگاه فاسد اداری حکومت سرگردانند، طبقات حاکمه و متنفذین محلی خودسرانه حقوق خلف کارگر را با بیرحمی لگدمال میکنند، رشوه ستانی و قانون‌شکنی آنها نه حدودی دارد و نه جزایی»

بنابراین، مصالح وطن و مردم ما هرچه زودتر ایجاب می‌نماید که نخست چگونگی و عیوب عمده علل اساسی امراض دستگاه اداری دولت افغانستان بصورت عمیقی افشا گردد و در ضمن بصورت کلی و فورمولبندی شده طریق واقعی ریشه‌کن ساختن و راه ایجاد یک تحول بنیادی در دستگاه اداری کشور نشان داد شود.

خصوصیت و عیوب عمده دستگاه اداری افغانستان:

حقایق مبین این واقعیت است که دستگاه موجود دولتی افغانستان بطور عموم، وسیله زجر دهنده- ایست در دست یک گروه محدودی از مأمورین بالارتبه یا بیروکرات‌های ناترس از "زور قضاوت ملی" که از طبقه حاکمه ارتجاعی نماینده‌گی میکنند. پایه‌های دستگاه اداری کشور بر شالوده استبداد، ارتجاع و بقایای شیوه استعماری استوار است. گروه محدودی از صاحبان قدرت، دستگاه اداری را بمثابه وسیله نیرومند برای حفظ منافع و امتیازات خویش، بمقصد تحت ستم قرار دادن مردم و بهره‌کشی بی‌رحمانه توده‌های عظیم خلق کشور، بمنظور اجازه دادن نفوذ نظرات سؤاستعماری در داخل چرخهای دستگاه

(ص ۲)

سالیکه سپری شد، مانند ده‌ها سال دیگر چیزی جز گرسنگی، ژنده‌پوشی و برهنگی، بیماری، بیسوادی، ظلم و ستمگری و محرومیت برای اکثریت مطلق مردم زحمتکش کشور ما در بر نداشت. فریاد توده‌های بیسواد از فقدان نان و آزادی از استعمار ستمگران بانفوذ محلی و از یورش مأموران بی‌رحم، چون آهنگ یکنواخت و محزون، انعکاس جانگداز داشت. ولی با وصف آن مردم با شکیبایی و برده باری و روحیه بالقوه پیکارجویی انتظار می‌کشیدند تا باز هم صدای نجات از کانون‌های گرم مبارزان پیشرو شان متحداً برخیزد. ...!

در اوایل سالیکه گذشت گردانندگان زور و قدرت برای ادامه حکومت خویش به حرکات ضد آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی و ضد دموکراسی و ضد رشد اقتصاد و فرهنگ ملی، بروش‌های جدید استبدادی و ارتجاعی دست زدند و به مردم فریبی‌های «ظریفانه»، افساد و تطمیع و همچنان بشیوه‌های «کلاسیک» استعماری (تفرقه‌انداز و حکومت کن) پرداختند. تا اینکه با افشای (سیا) پرده از روی دسایس برافتاد و مسأله مداخله آن در امور داخلی وطن ما وجدان آزادیخواهان و وطنپرستان را شدیداً تکان داد و نیروهای ملی، ترقیخواه و وطنپرست خلق افغانستان عملاً در یک جبهه، در سنگر دفاع از شرافت ملی خود، چون صخرهٔ استوار بمبارزه برخاستند. بموازات این واقعه، قلت و گرانی غله در سرتاسر کشور صدای اعتراض مردم را بلند کرد (یکسیر گندم تا بکصدوپنجاه افغانی رسیده بود و یکعده مؤلدین نجیب و زحمتکش مناطق شمال کشور از گرسنگی جان سپردند) و نارضایتی صنفی محصلان، صدای اعتصابات و نهضت کارگران در مناطق صنعتی کشور بصورت خودبخودی و نیمه شعوری محسوس گردید و یک وضع موقتی بحران در کشور بوجود آمد.

درین هنگام حکومت وقت، که در پرتگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانورهای موذیانه همه‌جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

(ص ۳)

بخاطر روز بین‌المللی زنان

پرچم: روز هشت مارچ روز بین‌المللی جنبش جهانی زنان را بتمام مادران، خواهران و دختران زحمتکش و نجیب افغانستان از صمیم قلب تبریک میگوید و بمناسبت این روز بزرگ اعلام میدارد که زنان افغانستان طی تاریخ مبارزات ملی کشور، با وصف محرومیت‌های گوناگون، از خود شهامت‌ها و قهرمانی‌های فراوان نشان داده‌اند. اکنون هم زنان شرافتمند و ستمدیده کشور ما برای احقاق حقوق خود اتحادیه دموکراتیک زنان را سازمان میدهد و دوش بدوش مردان، توأم با تقوای افغانی در احراز مقام خویش بحیث عضو تام‌الحقوق اجتماع در راه صلح و آزادی و دموکراسی دلیرانه مبارزه می‌نماید.

پرچم سال نو را تبریک میگوید

کشور باستانی و محبوب ما افغانستان سنن عالیه و جشن‌های ملی پرافتخار فراوان دارد. جشن نوروزی یکی از این اعیاد باستانی مردم ماست.

جشن نوروز مظهر عالیترین روحیه خوشبینی ملت ما برای زنده‌گی نوین، ایجاد سرور و خوشبختی برای خود و بشریت زحمتکش و پیشتاز تاریخ بشمار می‌رود.

جشن‌های باستانی ملی ما، عموماً از عشق مردمان ما به طبیعت و کار و فصل نوین زنده‌گی و زحمتکشی توده‌های عظیم بزرگران سرچشمه می‌گیرد.

عید سال نو یا نوروز نشانهٔ سرنگون شدن کهنه و ظهور نوجوانی و سرسبزی طبیعت، مظهر آرمانها، پیروزی‌ها و امیدهای نوین خلق کارگر برای کار و مبارزه است.

پرچم دموکراتیک خلق در حالیکه تبریکات صمیمانه خود را به هموطنان و زحمتکشان محروم کشور، به مناسبت حلول سال نو ابراز می‌دارد – عمیقاً امیدوار است که سال نو، سال رشد مبارزه و نهضت نجاتبخش، سال پیروزی نیروهای صلح و آزادی در جهان، سال وحدت و اتحاد نیروهای دموکراتیک ملی، مترقی و وطنپرست کشور باستانی افغانستان باشد.

آنروز دور نیست که ملت ما یوغ ظلم و ستمگری را بدور افگند و جنبش‌های شادمانی و ملی خود را با آزادمنشی برگزار کند.

پرچم بهار افغانستان نوین، پرچم تجدید حیات ملی کشور ما از دور نمایان است! خلقها بیدار میشوند! سال نو، سال جدید مبارزه مقدس ما فرا میرسد!

م.ا. خیبر

یکسال دیگر بر رنجهای عظیم مردم افغانستان گذشت

از (ص اول)

در بارهٔ دستگاه اداری افغانستان

اداری حکومت، اعم از ساحه اقتصادی، مالی، تجاری، فرهنگی و سیاسی بکار می‌برد.

درست است که در دستگاه اداری کشور یک عدهٔ معدودی از قشر فوقانی طبقات زحمتکش، در این اواخر راه یافته‌اند، ولی به کمال تأسف باید خاطرنشان ساخت که دستگاه اداری را چنان عیوب اساسی و امراض مزمن فراگرفته است که به استثنای یک عده از مأموران کم رتبه و متوسط رتبه، دیگر اکثریت آن‌ها در «کان نمک، نمک شده‌اند» و از طبقه و مردم خود جدا گردیده و حتی طبق دستور، گرداننده سیاست ضد مردمی اند. به هر حال باید در نظر داشت که تعیین‌کننده سیاست دستگاه اداری کشور مشتی از صاحبان نفوذ و با امتیاز است، نه مأموران متوسط رتبه و کم رتبه که مجریان دستور اند. دستگاه اداری به اندازه‌ای از نیاز زمان به دور است که حتی سه حکومت پیهم مجبور شده‌اند که در خط مشی خود اقلاً از لحاظ «نظری» دادسخن از ضرورت اصلاح دستگاه اداری بزنند. دستگاه اداری افغانستان بنا بر خصوصیت ضد مردمی و ضد دموکراتیک خود قادر نیست که افکار عامه، نظارت عامه، و مصالح عامه را بپذیرد. روی این خصوصیت است که حتی قوانین موضوعه دولت نمی‌تواند مورد تطبیق قرار گیرد. یکی از مشخصات روبنایی کشورهای عقب‌مانده مثل افغانستان، عدم اجرای صحیح قانون است که در اثر آن آزادی‌های اولیه و اساسی مردم به نفع استبداد و ارتجاع و استعمار بی‌رحمانه لگدمال می‌شود و اعتنایی به ارزش‌های قانون اساسی کشور نمی‌گردد.

در ماده یکصدو دهم قانون اساسی تذکر رفته که: «از جمله اهداف این قوانین تعمیم جرگه‌ها تا درجهٔ قری و تأمین اشتراک روزافزون آن در اداره محلی می‌باشد.» ولی علی‌رغم این روحیه دموکراتیک قانون اساسی، در سیستم اداری ما اصل مرکزیت به حد افراط رسیده و کوچکترین امور مربوط به اطراف ولایات و محلات طبق دستور از مرکز، از کابل، از وزارت خانه‌ها به صورت کیف مایشأ تعمیل می‌گردد که در نتیجه باعث عقب‌ماندگی فوق‌العاده وحشتناک ولایات و مناطق دورافتاده کشور، از نظر اقتصادی و فرهنگی، گردیده است.

از فحوای نظرات حکومت و استنباط نادرستی که از فیصله‌های ولسی جرگه راجع به تنقیض بودیجه از لحاظ تشکیلات بوجود آمده، چنین معلوم می‌شود که حکومت می‌خواهد یک عده از مأمورین کشور را بدون اینکه کارهای مفید و تولیدی برای آن‌ها تهیه ببیند، به اصطلاح «اضافه بست» نماید.

به کمال تأسف باید اعلان داشت که سیاست تبعیض قومی، زبانی و مذهبی و طبقاتی از سالیان دراز دامگیر دستگاه دولتی افغانستان است.

پرواضح است که در دستگاه اداری افغانستان راه ترفیع و اشغال کرسی‌های بلندبالا و ایجاد زندگی مرفه برق‌آسا، صرف برای آن اقلیتی امکان‌پذیر است که طرفدار جدی سیاست دستوری محافل حاکمه کشور باشند.

اساساً تاکنون مسأله مصئونیت، شایستگی، صلاحیت، استعداد، وطن‌پرستی و ترقی‌خواهی عده کثیری از مأموران زحمتکش و تحصیل‌کرده در رشته‌های سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و منی مطرح بحث حکومت‌ها در افغانستان نیست.

در دستگاه اداری موجود کشور اکثریت مطلق تحصیل‌کرده‌گان در رشته‌های غیر مسلکی خود مشغول کار اند. طبق تحقیقات و آزمایش‌هایی که صورت گرفته است، بیش از ده فیصد استعداد تحصیل‌کرده‌گان در کشور، بهره‌برداری نمی‌گردد و حد اوسط در تمام طول و عرض دستگاه اداری بیش از یک الی دو ساعت کار با ثمر و مثبت انجام داده نمی‌شود.

نظام بیروکراسی فاسد و کارشکن در امور کاغذپرانی های بی‌مورد، عدم احساس مسؤولیت و هرج‌ومرج در کارها، مقررات پیچیده و ناقص، کندی هلاک بار جریان امور از آن مسایل مبرهن است که هر روز فریاد مردم را بلند می‌کند.

رشوه ستانی در دستگاه اداری کشور مرض حاد و کشنده دیگری است که یکی از نمونه‌های وحشتناک رشوت ستانی در جهان معاصر به شمار می‌رود. مسأله ارتشأ و رشوه ستانی چنان بی‌شرمانه در دستگاه اداری کشور شیوع دارد که کارد را به مغز استخوان مردم رسانیده است. مأموران و متنفذین محلی برای مردم جز پوست و استخوان چیز دیگری بجا نگذاشته‌اند.

در باره حیفومیل عواید و سؤ استفاده از بودیجه عادی و انکشافی دولت اینقدر کافیست که جند رقم فیصدی زیرین را به صورت یک تحقیق تخمینی که وقتاًفوقتاً، از طرف متخصصین خارجی و داخلی به صورت یادداشت‌های تحریری و شفاهی، به وزارت پلان سپرده‌شده ارایه کنیم: به طور متوسط تخمیناً در حدود چهل فیصد عواید دولت بنا بر نظام اداری نادرست و سؤ استفاده به هدر می‌رود و از نصف دیگر در حدود ٦٥ فیصد به صورت معاشات به مصرف می‌رسد.

اکنون برای روشن شدن یک حقیقت تلخ لازم می‌افتد که منجیث مثال مصارف مجموعی پلان دوم (مصارف عادی و انکشافی) دولت را به رقم ارایه کنیم که آن عبارت است از چهل ملیارد و چهارصد ملیون افغانی (تخمیناً در حدود ششصد ملیون دالر بر اساس نرخ بازار).

(توجه کنید: ششصد ملیون دالر، تقریباً معادل هشت روز مصارف جنگی امریکا در ویتنام.)

کافیست بگوییم تأسف‌آور است!

اکنون خواننده عزیز درک می‌کند که با داشتن این عواید ناچیز دولتی که در حدود نصف آن از طریق کمک‌های خارجی به دست می‌آید، چطور قسمت اعظم آن را «دیو» بیروکراسی کشور ظالمانه می‌بلعد و خلق‌های ما را تحت ظلم و ستمگری و بهره‌کشی بی‌رحمانه قرار می‌دهد.

راه علاج فوری و بنیادی:

وطن محبوب ما نیازمندی‌های شدید و فوری بیک تحول اساسی و بنیادی دارد.

وضع موجود نمی‌تواند معالج دردها و مشکلات عظیم کشور ما باشد. وطن ما در پهلوی دیگر تحولات اساسی احتیاج بیک تحول و تغییر کیفی و اساسی در دستگاه دولتی و اصلاح عمیقی اداری دارد.

زمان به سرعت برق به پیش می‌رود، مردم دیگر نمی‌تواند این کندی و رکود را تحمل کنند.

ما پیروز خواهیم شد، زیرا شکست ما، شکست منطق، شکست اخلاق و راستی است. جهانبینی ما، همچون دوران شباب سعادت آینده همچو طلیعهٔ بهاری پا به جهان می‌نهد!

(...)

دستگاه اداری کشور به اندازه‌ای کهنه و فاسد گردیده است که حتی امکان آن را ندارد که باصطلاح رفورم‌های مطروحه نیم‌بند حکومت‌ها را تعمیل نماید.

برای اصلاح اساسی و بنیادی دستگاه اداری دولت درین مرحلهٔ تاریخی فورمول های آتی راه نجات تلقی می‌گردد:

- باید دستگاه اداری ماهیت مردمی داشته باشد و بر مبنای اصل نظارت مردم و دادن سرنوشت مردم به دست خودشان و تعمیق دموکراسی استوار گردد. زیرا تا دستگاه اداری ما به شیوه دموکراتیک عمل ننماید و انعکاس دهنده آرمان‌های توده‌های مردم نباشد، نمی‌تواند در زمینه برش در کار، تحرک در کار و حاصل دهی در کار، فعال و با تقوا باشد.

ایجاد یک نظام نوین اداری از طریق تألیف منطقی مرکزیت دموکراتیک در کارهای اداری و ترتیب درست اصل رهبری عمومی از مرکز، با اصل دادن صلاحیت و اختیارات دموکراتیک برای مناطق و نواحی مختلف کشور در زمینه‌های رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ضروری بشمار می رود. اجرای این امر ایجاب می‌کند که تجدیدنظر در تقسیمات ملکی طبق شرایط اقتصادی اجتماعی، کلتوری و غیره در چوکات پلان‌های واحد و سرتاسری کشور و تأمین حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک مردم، بدون تبعیض بعمل آید.

-تجدید وقتاًفوقتاً تشکیلات اداری بر وفق شرایط و تغییراتی که در اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رخ می‌دهد.

- بوجود آوردن مؤسسات تولیدی و انتفاعی بر مبنای پلان عمومی انکشاف اقتصادی و بسط و توسعه سکتور دولتی اقتصاد و بکار انداختن قوای فعال کشور و تعمیم رشته‌های جدید و تخصصی و آموزش تخصص‌ها و واگذار کردن کار به اهل کار، ایجاد حس مسؤولیت و انضباط و انعطاف‌پذیری و دادن صلاحیت و پرورش کادرهای کاردان، کاربر، صدیق، تدویرکننده، وطن‌پرست و ترقی‌خواه.

(ص ۴)

به صدای بلند به هر کس بگوی و مژده بده که در آینده زندگی زیبا و درخشان است، آینده را دوست بدارید، در راه این زندگانی پر شکوه مجاهدت کنید... . به سوی آینده درخشان پیش تازید و برای رسیدن به آن تکاپو کنید و از هیچگونه زحمت و تلاش دریغ مدارید، تا هرچه زودتر از سعادت و کامرانی حیات حقیقی آینده برخوردار شوید...

از (ص اول)

یکسال دیگر بر رنجهای ...

در شوری گردید و همچنان موجبات پراگندهکی و تشتت در بین نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه و تضعیف مبارزه مشترک و متحد تمام نیروهای ملی و وطنپرست، ایجاد دو دلی و مایوسیت و بیاعتمادی در بین آنان را فراهم کرد. این شیوهٔ اداری یکبار دیگر بسود طبقه حاکمه ارتجاعی و به ضرر آزادی و دموکراسی انجامید.

این وضع هنوز بهپایان نرسیده بود که موج دیگری از مبارزه مشترک و اعتراض شجاعانه مردم آزادیخواه افغانستان، علیه توطیه امپریالیزم و اشغالگران اسراییل در کشورهای عربی پدید گشت و ضربه دیگری به پیکر استعمار وارد گردید.

پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان در مرکز و پیشاپیش دیگر نیروهای ملی وطنپرست، چه در ولسی جرگه (پارلمان) و چه خارج از آن، در برابر تمام این حوادث در یک سنگر به حملات دلیرانه و مستدل علیه بندوبست ارتجاع داخلی، جنگافروزان امپریالیست و ارتجاع بینالمللی پرداختند، و از صلح، نهضت آزادیبخش ملی، استقلال ملی و دموکراسی دفاع کردند، نه هراسیدند و در این مبارزهٔ مقدس ضربات، دسایس، حملات و حتی دشنام های فراوان ارتجاع را تحمل کردند.

با وصف تمام این دسایس و حیل گوناگون، بعد از سالگرد استقلال وطن، بروز پښتونستان (۹ سنبله) میتینگ و تظاهرات عظیمی در دفاع از جنبش رهاییبخش ملی پښتونستان به اشتراک و تأیید رهبر بزرگ ملی پښتونستان خان عبدالغفار خان تشکیل گردید. روز پښتونستان در سال ۱۳۴۶ در تمام سیر تاریخ دفاع از جنبش نجاتبخش ملی پښتونستان و نهضت دموکراتیک افغانستان بلندترین موج تظاهرات کاملاً مستقل و ملی و باشکوه زنان و مردان افغانستان بشمار میرود، که به پیشآهنگی نیروی متحد دموکراتیک زنان وطنپرست و دلیر افغانستان، با شعارهای ضد استعمار و امپریالیزم ضد ارتجاع و ضد استبداد تجلیل شد.

حادثه مهم دیگر این سال: تظاهرات عظیم محصلان روشنفکران، کارگران و شهریان به مناسبت سالگرد واقعه خونین سه عقرب بود. واقعه سه عقرب ۱۳۴۴ که موجب شهادت و مجروح شدن چند تن از مبارزان راه آزادی گردید و در راه مبارزه به خاطر تأمین دموکراسی و پارلمان آزاد و مبارزه علیه استبداد بوجود آمد، در تاریخ مبارزات رهاییبخش و دموکراتیک ما از جمله آن سلسله وقایع است که میتوان آن را در شرایط جدید مبارزه نهضت دموکراتیک و ملی کشور «ناقوس بیداری و هوشیاری» اعلام کرد.

راه طولانیست و بخشهای آن ناشناخته. مرزهایمان را میشناسیم و ما جون پولاد آبدیده خواهیم شد و انسان نوین را بوجود خواهیم آورد

(...)

این حادثه یک بار دیگر اعتقاد و امید به پیروزی و روحیه مبارزهجویی و نیروی شکستناپذیر مردم دلیر و آزادیخواه وطن ما افغانستان را عمیقتر و مستحکمتر به اثبات رساند.

بالاخره در نیمه دوم سال گذشته حکومت بناغلی میوندوال در اثر مبارزات و اعتراضات شدید مردم و پارلمان محکوم به سقوط و استعفا گردید و موفق نشد که بهاصطلاح سومین پلان پنج ساله (مضحک و نیمبند) انکشاف اقتصادی و اجتماعی (!) افغانستان را با بودجه نامتوازن و ناقص از شورا بگذراند و در نتیجه به تاریخ (۲۳ عقرب ۱۳۴۶) حکومت بناغلی اعتمادی تشکیل شد و ظاهراً گویا تغییری در اوضاع کشور بوجود آمد. ...

جریان سه روزه رأی اعتماد به حکومت در ولسی جرگه، که از طریق رادیو افغانستان پخش گردید، در نوع خود قویترین تریبیونی بود که به نفع مردم افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و روان مشروطه خواهان، قهرمانان و شهدای راه آزادی را شاد ساخت و در نتیجه از یک سو باعث افشاگری های وسیع و بیسابقه فساد مزمن دستگاه ارتجاع و از سوی دیگر موجب بیداری نسبی شعور سیاسی خلق کشور ما گردید.

مؤجز اینکه در نیمه دوم سالی که گذشت، حکومت جدید بوجود آمد و به تعقیب آن بودجهٔ عادی و انکشافی سال ۱۳۴۶ مورد تصویب اکثریت ولسی جرگه قرار گرفت و هم هیأتی به سویه عالی به اتحادشوروی، بهمنظور طلب کمکهای اقتصادی و فنی ارسال گردید که بالفعل با نتایج مثبت و عقد قراردادهای مساعد به نفع رشد اقتصاد ملی و بدون قید و شرط سیاسی به وطن بازگشت و همچنان استفاده نسبی از آزادی مطبوعات بعد از مبارزات فراوان مطرح بحث روز قرار گرفت. گویا بدین ترتیب وضع در ظاهر امر به حالت عادی گرایید...!

معهذالک این مانورها نباید هشیاری مبارزان پیشرو و ترقیخواه را تضعیف نماید. در ماهیت طبقاتی حکومت و خطوط اساسی آن تاکنون تحول بنیادی رخ نداده است.

یگانه راه نجات و پیروزی وحدت و اتحاد عمل مدافعان صدیق خلق افغانستان است، نه رقابتهای مخاصمانه و غیراصولی در آوان نهضت، که نتایج غم انگیز و درامتیک آن در تاریخ مبارزات ملی ما و دیگر جریانات مترقی جهان معلوم است.

به کمال تأثر خاطرنشان میگردد که در سال گذشته، به دنبال سالهای دیگر، همچنان ثروتهای ملی ما دست نا خورده ماند و یا یک قسمت آن مورد سؤاستفاده نیروهای استثمارگر داخلی و سرمایهداران خارجی و دلالان داخلی قرار گرفت.

اکثریت عظیم دهقانان افغانستان همچنان بی زمین و کم زمین، در بدترین شرایط، تحت استثمار وحشیانه حیات بسر میبرند. فقر و تنگدستی و خانه بدوشی و بیخانمانی در بین ملیونهای نفر از زحمتکشان دهات و کوچیان بیداد کرد. محرومیت فرهنگی و سیاسی اقوام مختلف کشور همچنان پا بر جا ماند.

حکومت های افغانستان تاکنون به حل هیچیک از تضادهای موجود در جامعه اقدام نکردهاند و بالعکس تضادهای تازهای آشکار گردید.بنا بر اتخاذ سیاستهای غلط مالی و تجاری و تمایلات بهاصطلاح جانب «حوزه آزاد» و «درهای باز» و فقدان انتظام و اداره صحیح کشور مواجه به بحران گردید، و رشد سالم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را روز بروز مانع شد. بحران مزمن اقتصادی، که از تمایلات تجارت آزاد خارجی و سیاست رکود اقتصادی و تورم پولی، سیر صعودی سرسامآور قیمتها، بخصوص در زمینه نیازمندیهای ابتدایی و اولی مردم، کمبود مواد مورد نیاز عمومی، بخصوص نان، لباس، دوا، منزل، برهم خوردن روز بروز موازنه صادرات و واردات و موازنه تأدیات اسعاری و نا مطمین بودن قیمت اسعار در بازار سیاه، عدم تدارک سرمایه... و غیره همه و همه مظاهری از عدم یک سیاست ملی و مترقی اقتصادی است که حکومت موجود در واقعیت امر در آن دست و پا میزند و در ظاهر دفعالوقت مینماید.

حکومت برای ترمیم کسر مخارج بودجه عادی و انکشافی در بن و بست

دا موټری، دا باغونه، دا قصرونه
دابه وسپړی یوه ورځ دخلکو مخکی

دا په وینو آباد شوی تعمیرونه
دچا غلا، دچا تیریُ دچا ظلمونه

(سلیمان لایق)

دچار بوده و است. زیرا عواید دولت بنا بر نفوذ نظام فیودالی و تولید فیودالی، سالانه بسیار ناچیز است و کسر بودجه را تأمین کرده نمیتواند و در نتیجه، کمبود بودجه دولت بهصورت مرض مزمن ادامه دارد.

توجه کنید! در شرایط و وضع موجود حل اینهمه تضادها و بحرانات و کندی سطح رشد اقتصاد و فرهنگ ناممکن است و از عهده نیروهای کهنه و محکوم برآورده شده نمیتواند.

در سال گذشته صنایع محلی و ملی همچنان بیشتر رو به فلاکت رفت. پیشهوران و اهل کسبه و تاجران کوچک ورشکست شدند.

امکانات تحصیلات عالیتر متعلمان و محصلان کشور محدودتر شد. بدبختی مأموران و روشنفکران نجیب وطنپرست کشور توأم با عدم مصونیت و محرومیت و تشویش از آینده وسعت بیشتر پیدا کرد.

سطح پایین دستمزدهای کارگران فابریک، معادن و ساختمانها، فقدان بیمههای اجتماعی و صندوق پساندار زحمتکشان، اتحادیههای کارگری، بیکاری روزافزون، طبقه کارگر افغانستان را به تیرهروزی مبتلا ساخته است. طبقات متوسط افغانستان بنا بر نفوذ استعمار جدید و سیاست غلط اقتصادی و تجاری دولت در معرض خطر و ورشکستهگی قطعی قرار گرفتهاند.

عدم مصونیت جراید آزاد ملی، کنترول و تحدید مطابع در دست دولت و سانسور شدید مطبوعات پابرجاست.

آزادی های مصرحه در قانون اساسی بخصوص مصونیتهای فردی و آزادیهای فردی، تشکیل اجتماعات، اتحادیهها، احزاب، اعتصابات، تظاهرات، ضمانت تطبیق ندارد. هنوز حکومت باوجود تظاهر به اطاعت از قانون اساسی نمیکن قدمی در راه رفع تضییقات جرأت ضد دموکراتیک بردارد.

خلاصه اینکه: در فرجام این سال باید هشیارانه نظارت کرد که در سال ۱۳۴۷ حکومت طبق قانون اساسی کشور و خط مشی خود چه میکند؟

مبرهن است هرگاه حکومت از اسلاف خود درس عبرت نیاندوزد، جلو خودسریها را نگیرد، جز ناکامی و افتضاح چیز دیگری در قبال نخواهد داشت.

(ص ۴)

دخالت در سیاست و شرکت فعال در مبارزه روزمره ضد استبداد ضد ارتجاع و ضد استعمار از حقوق مسلم و وظیفه ملی و طبقاتی تمام زحمتکشان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و محصلان کشور است.

۲۱ مارچ

روز بین‌المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی

تمام نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه جهان پرچم مخالفت علیه سیاست منفور تبعیض نژادی برافراشته، انزجار و تنفر عمیق خود را به مناسبت این سیاست غیرانسانی ابراز می‌کنند.

اسامبله عمومی سازمان ملل‌متحد سال گذشته در بیست و یکمین دورهٔ اجلاسیه خود باوجود مخالفت شدید نژادپرستان موفق گردید روز ۲۱ مارچ را بنام روز بین‌المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی تثبیت نماید.

بعد از شکست فاشیزم و ملیتاریزم در جنگ جهانی دوم، جنبش های آزادیبخش ملی به موفقیت‌های درخشانی نایل گردیده و با همنوایی عوامل قوی دیگر، در صحنهٔ بین‌المللی باعث تشدید بحران در سیستم مستعمراتی امپریالیزم گردید. در مدت کمتر از ۲۵ سال، بیش از ۷۰ کشور به آزادی سیاسی خود رسیدند. به تناسبی که بر تعداد کشورهای مستقل آسیا و افریقا در سازمان ملل‌متحد افزوده شد، مبارزه علیه تبعیض نژادی نیز کسب شدت نمود. کشورهای مستقل آسیا و افریقا به پیشاهنگی و پشتیبانی کشورهای صلحدوست، تدابیر جدیی را به غرض محو کامل سیاست تبعیض نژادی تعقیب نمودند.

تثبیت ۲۱ مارچ بحیث روز بین‌المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی در معیار جهانی، پدیدهٔ زنده‌ای از همکاری و نیرومندی قدرتهای صلح، آزادی و دموکراسی بشمار می‌رود. معذالک کشورها و قدرتهایی استند که با شیوه کثیف تبعیض نژادی کرامت و آزادی انسان را تهدید و زیر پا می‌کنند. من‌جمله نژادپرستان سفیدپوست افریقای جنوبی، رودیشیا و تبعیض طلبان پرتگالی تاکنون به این بدعتگری ستمگرانه و کلاسیک نظام استعمار قویاً پابندی نشان میدهند. و ملیونها انسان را در سر زمین‌های اجدادی‌شان تحت شکنجه، ستم و استعمار وحشیانه قرار داده‌اند.

درین روزها جهانیان ناظر ننگین ترین فجایع نژادپرستان رودیشیا استند. توفانی از اعتراضات ترقیخواهان و عناصر دموکرات جهان علیه اعدام وحشیانه وطن‌پرستان رودیشیا و نظام نژادپرست آن برخاسته است.

پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان این فجایع شرم‌آور را محکوم کرد.

نوروز ما، که با روز اعتراض ملل‌متحد علیه تبعیض نژادی مصادف شده است – ما را متوجه می‌سازد که هنوز در معیار ملی و جهانی مأموریت عمده و خطیری در برابر ما قرار دارد، مأموریتی که بحیث یک ملت، وفاداری و همبستگی ما را به مردم ستمدیدهٔ کشور ما و تمام بشریت زحمتکش آزمایش خواهد کرد.

پرچم، ۲۱ مارچ را که سمبول مبارزه علیه تجاوز و غارتگری نیروهای امپریالیستی جهانی است، بامید پیروزی ستمکشان علیه ستمگران استقبال می‌کند و وفاداری خود را بامر صلح، برابری، آزادی در جهان اعلام میدارد.

از (ص ۲)

در باره ...

- از بین بردن ذهنیت تبعیض در سرتاسر دستگاه دولتی افغانستان.

- تأمین نیازمندی‌های مأموران دولت و خانواده‌هایشان بصورت عادلانه و قطع کامل ریشه ارتشأ از طریق تطبیق جزاهای سنگین به رشوه‌ستانان و حامیان‌شان، بدون استثنأ و تبعیض از بالا تا پایان.

تجارب ملل پیشرو و ترقیخواه جهان، مبین این حقیقت است که ایجاد یک دستگاه اداری سالم و فعال جوابگوی نیازمندی‌های مردم، صرف از طریق قطع کردن دست مفتخواران اجتماع و ایجاد یک تحول اساسی در ماهیت طبقاتی قوای دولت که دستگاه اداری موجود آله و افزارکار آن‌هاست، امکان‌پذیر است. باین معنی که تا در این مرحله تاریخی حکومت دموکراسی بر مبنای یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی بوجود نیآید، در وضع و احوال موجود امیدی برای هیچگونه اصلاحات عمیقی اداری برده نمی‌شود. ولو کمیسیون پرخرچ تشکیل گردد و صدای دستگاه تبلیغاتی حکومت گوش‌ها را کر سازد. حکومت‌ها در افغانستان از لحاظ ماهوی و شکلی ناتوانتر از آنند که واقعاً در راه رفع امراض مزمن و عمیق دستگاه اداری نقش مؤثری ایفا کنند.

این کار عظیم خلق افغانستان و نیروهای ملی و دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقیخواه کشور است که با بسط و توسعه نهضت، حکومت دموکراسی ملی را ایجاد کنند و دستگاه اداری نوین، مترقی، مردمی و دموکراتیک یعنی دستگاهی را که واقعاً بمردم افغانستان خدمت کند، تأسیس نمایند. وظیفه مأموران یک دستگاه اداری نوین و مترقی است که مسؤولیت خود را در قبال خلق تشخیص دهند و جوابگوی منافع خلق باشند. در جهت رشد اقتصاد و فرهنگ کشور کار کنند و برنج‌های اکثریت عظیم مردم بیاندیشند، بمردم اتکا نمایند و خود را وقف آزادی مردم و ساختمان

از (ص ۳)

یک‌سال دیگر ...

در هر حال صورت ماهیت طبقاتی حکومت‌ها برای ما آشکار است و درین جریان احیای شعور سیاسی و طبقاتی توده‌های مردم، خط مشی درست نیروهای ملی، دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست و خلقی و عمل مشترک و متحد آنان در آخرین تحلیل نقش قاطع و عظیم دارد.

ما امید قوی داریم که سال ۱۳۴۷ برای خلق‌های افغانستان سال پیشروی، سال وحدت و اتحاد نیرو-های مبارز و نجیب کشور، سال مبارزات اصولی و هشیارانه ملی و دموکراتیک ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار و سال پیروزی در خط مشی جاری برای تحقق وظایف مبرم روز، سال تدارک برای تشکل نیروها و طبقات زحمتکش، سال احیای همبستگی و وحدت نیروهای ترقیخواه وطن‌پرست، سال اشغال مواضع جدید سنگر ارتجاع از طرف نیروهای تحول‌طلب کشور به جهت ایجاد حکومت دموکراسی ملی می‌باشد.

سال ۱۳۴۷ سال مهم و حیاتی است. سال پر مسؤولیت برای ماست. افغانستان جدید در برابر ما تجلی می‌کند. بر ماست که از آن دلیرانه استقبال کنیم و با هیولای ترس، بی‌اعتمادی و بدبینی وداع کنیم!

پیروزی از آن ماست!

خلق رنجدیده افغانستان تنها در پرتو جهان‌بینی علمی خلاق و ایدیالوژی پیشرو عصر ما و به رهبری طبقه زحمتکش و پیش‌آهنگ آن، در دامان آزادی، صلح، استقلال ملی و دموکراسی و ترقی اجتماعی در زیر پرچم نظام نوین اصالت اجتماعی علمی هدف غایی شاد و یک جامعه واقعاً مترقی و مرفه نمایند و خدمتگزار خلق باشند نه خدمتگزار یک گروه کوچک ستمگر و مرتجع.

سؤال در اینجاست که آیا مأموران دستگاه اداری افغانستان حایز چنین خصوصیت و صفاتی هستند؟

مردم فریاد می‌کشند: هرگز نه!

پرچم
این شماره به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای پنجشنبه نشر می‌شود

سال تأسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیت محمد جانخان واټ کابل - افغانستان
نمبر حساب‌جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجارتی بانک

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ – افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ – افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

مطبعه دولتی